

درس‌هایی از عقيله خاندان وحى

<?xml encoding="UTF-8">

روز 5 جمادى الاول سال پنجم هجرت، مقارن با تولد دخترى پاك سیرت و ستوده خصال از خاندان آل رسول (ص) است. بانوى شایسته اى كه الگوى صبر و مقاومت، پاسدارى از ارزشهاى الهى و جلوه اى از فضائل و كمالات اخلاقى و انسانى است.

این نوزاد مبارك آنچنان ویژگیهای پدر گرامى اش حضرت على (ع) را در خود جمع کرده بود كه زینب «زینت پدر» نام گرفت و وارث تمام زیبائی های خاندان رسالت و امامت در طول تاریخ گردید. زینب از همان دوران كودكى پیام آور خصلت های والای انسانى معنوى بود كه بعدها در اثر پیشآمدهای تلخ و شیرین تاریخی آن ها را به فعلیت رسانده و جلوه اى از خصائل پسندیده نبوى علوى و فاطمى گردید، شكیباى، پارسایى، دانش و بینش، حلم و حزم، تدبیر، سیاست و سیادت، بزرگواری عظمت روح و جلالت شخصیت، پایداری در راه هدف، قوت قلب و اراده اى فولادین، راستی و امانتداری، دفاع از حق و عدل و ارزشهای معنوی، حمایت از یتیمان و ضعیفان و محرومان، مهر و عطوفت و شفقت، پرورش فرزندان پاك و صالح، همسرداری، خانه داری، عزت نفس، وفا به عهد، برخی از اوصاف و ویژگیهای این دختر رسالت و یادگار امامت مى باشد كه به غیر از مادر گرامى اش بانوى دیگری به آن عظمت نرسید و به این جهت به آن حضرت صدیقه صغرى نیز گفته مى شود. (1)

اما آنچه این مقال در پی آنست تبیین مقام علمى و بعد فرهنگى و تربیتى آن بانوى آسمانى از میان سایر اوصاف والایش مى باشد.

القاب بلند عقيله، عالمه غیر معلّمه و محدّثه، نشانگر عظمت علمى و بلاغت و فصاحت آن بانوى گرامى است. مقام علمى زینب كبرى آنچنان واضح و روشن است كه سخن حضرت سجاد (ع) برای درك عظمت آن بانوى دانشمند كافى است. حضرت سجاد (ع) در مورد جایگاه علمى آن بزرگوار فرمود: «انت بحمدالله عالمه غیر معلّمه و فهمه غیر مفهمه؛ (2) عمه جان! به لطف الهى تو دانشورى هستى كه از گنجینه وحى علم آموخته اى و كسى به تو آموزش نداده و اندیشمندی هستى كه بدون معلم مى فهمى و تعقل و تدبّر دارى!». در مقام تعقل و اندیشه و هوشمندی آنچنان اوج گرفته بود كه حضرتش را به عقيله بنى هاشم موسوم گردانیدند. ابوالفرج اصفهانی در مقاتل الطالبین و در ذیل شرح حال عون بن عبدالله مى گوید: مادر عون، زینب عقيله، دختر على بن ابی طالب (ع) است.

نمونه اى از مقام علمى آن حضرت

با مرورى کوتاه به شرایط و زمینه هاى كه خطبه معروف زینب كبرى (ع) در آن بستر زمانى واقع شد مى توان به اهمیت و جایگاه رفیع آن در فرهنگ عالى اهل بیت (ع) واقف شد. سخن گفتن در حال اسارت، بعد از آن همه مصیبت و ناراحتی ها و تألمات روحى و جسمى، كه بحرانی ترین حالات را برای هر انسانى مى تواند در پی داشته

باشد. اما زینب کبری (ع) از یک سو به خاطرات گذشته می اندیشد که چگونه 20 سال قبل از آن با عزت و احترام تمام، در کنار عزیزین اعضاء خانواده اش با شکوه و عظمت زندگی می کرد.

او که در آن شهر معلم و مفسر قرآن برای بانوان بوده است، و از سوئی دیگر امروز حتی نه به صورت فردی عادی و آزاد به این شهر می آید بلکه بعنوان اسیر دست دشمن و همراه با سرهای به نیزه زده شده دلبندهای عزیزتر از جاننش، وارد آن شهر غم زده می شود. زینب کبری بدون اینکه خم به ابرو بیاورد و ذره ای ابراز ذلت و خواری و شکستگی بکند با سیمائی کاملاً پر صلابت و قاطعیت و گفتاری فصیح و بلیغ همچون پدرش علی (ع)، به کوهی استوار می ماند که در برابر طوفان حوادث، سخت و مقاوم حتی واژه بلند شکیبائی و بردباری در مقابل عظمت و شکوه آن شیر زن نینوا به زانو در آمده است. آری تصور آن لحظات حساس تاریخی به ما می آموزد که صبوری و بردباری نیز از رفتار آن گرامی شگفت زده و متعجب است.

زینب (س) آنچنان در سخنان خویش به آیات الهی و مثل های متداول تمسک می جوید مثل اینکه یک خطیب و مفسر ورزیده در اوج اقتدار و متعادل ترین حالات روانی سخن می گوید. او در خطبه اش تاریخ نکبت بار گذشته و اعمال نفرت انگیز و عبرت آموز کوفیان بی وفا را به رخ آنان می کشد و آنان را به تفکر و تعقل در رفتار پیشینیان فرا می خواند. همچون پیامبری منذر از فرجام خطرناک اعمالشان آنان را می ترساند. زینب (س) از زحمات رسول گرامی اسلام و خدمات شایان توجه آن گرامی به اهل اسلام سخن به میان می آورد. آری ایراد یک سخنرانی با رعایت فنون خطابه، منظم و منسجم، بدون دغدغه خاطر، تمام نفس ها را در سینه ها حبس می کند. یادآور بلیغ ترین خطابه های امیرمؤمنان علی (ع) به اهل آن دیار می شود. او برای خداوند عالمیان زیباترین ستایش ها را به عمل آورده و در مقام شناسائی خود و تبیین جایگاه ارزشمندش در میان مسلمانان، خود را فرزند حضرت خاتم الانبیاء محمد (ص) معرفی می کند. آری این خطابه حماسی، علمی و ادبی یکی از شاهکارهای اهل بیت و نشانگر بخشی از عظمت علمی آن بانوست.

با توجه به اهمیت کلمات آن بانوی شایسته در این نوشتار نخست متن خطبه را با ترجمه آن می خوانیم و آنگاه به مواردی از آموزه های اخلاقی، تربیتی و اعتقادی سخنرانی حضرت زینب (س) در ورود به شهر کوفه در سال 61 قمری می پردازیم:

«الحمد لله و الصلاة على أبي محمد و آله الطيبين الاخيار. اما بعد يا اهل الكوفة، يا اهل الختل و الغدر! أتبكون؟! فلا رقأت الدّمة، و لا هدأت الرّثة، انما مثلکم کمثل اللّتي نقضت غزلها من بعد قوة أنكاثاً تتخذون ایمانکم دخلاً بینکم. ألا و هل فيکم الا الصّلف و النّطف و الصّدر الشنف و ملق الأماء و غمز الأعداء؟ أو کمرعی علی دمنّة او کفضّة علی ملحودّة، الا ساء ما قدّمتم لأنفسکم ان سخط الله علیکم و فی العذاب أنتم خالدون. اتبکون و تنتحبون؟ ای و الله فابکوا كثيراً و اضحکوا قليلاً فلقد ذهبتم بعارها و شنارها و لن ترحضوها بغسلٍ بعدها ابداً، و اتّی ترحضون قتل سلیل خاتم النّبوة و معدن الرّسالة و سیّد شباب اهل الجنّة و ملاذ خیرتکم و مغزغ نالکتکم و منار حجّتکم و مدرّة سنّتکم. الا ساء ماتزون و بعداً لکم و سحقاً. فلقد خاب السّعی و تبّت الایدی و خسرت الصّفقة و بؤتم بغضبٍ من الله و ضربت علیکم الدّلة و المسکنة. و یلکم یا اهل الکوفة! أندرون ایّ کبدٍ لرسول الله فريتّم؟ و ایّ کریمه له ابرزتم؟ و ایّ دم له سفکتّم؟ و ایّ حرمة له انتهکتّم؟ لقد جئتم بها صلعاء عنقاء سوداء فقماء کطلاع الارض و ملاء السّماء أفعجبتم ان مطرت السّماء دماً و لعذاب الآخرة اخزی و انتم لاتنصرون، فلا یستخفّنکم المهل فانّه لایحفزه البدار، و لا یخاف فوت الثّار، و انّ ربکم لبالمرصاد...»

حمد و ستایش خداوند را و درود و صلوات بر پدرم محمد و اهل بیت پاک و برگزیده او. ای مردم کوفه! ای

صاحبان مکر و خدعه! آیا بر ما گریه می کنید؟ هرگز آب دیدگان شما فرو نایستد و ناله های شما ساکت نگردد. مثل شما مثل زنی است که رشته های خود را نیکو ببافد و سپس از هم باز کند. شما ایمان خود را مایه مکر و خیانت در میان خود ساختید و رشته ایمان را بستید و دو مرتبه باز کردید. در میان شما جز خودستایی و تملقی چون تملق کنیزان و غمازی با دشمنان، خصلتی نیست. شما مانند گیاههای زباله دانه ها هستید که قابل خوردن نیستند و به نقره ای می مانید که زینت قبور باشد و از آن استفاده نمی گردد و عذاب جاویدان برای شما آماده شد. آیا پس از کشتن ما بر ما گریه می کنید و خود را سرزنش می نمایید؟ آری، به خدا قسم زیاد گریه کنید و کم بخندید. همانا شما لکه عار روزگار را به دامان خود افکندید که به هیچ آبی نمی توان شست و شویش داد. چگونه شسته شود قتل پسر پیغمبر و سید جوانان اهل بهشت و آن کسی که در جنگها و گرفتاریها ملجأ شما، و در مقام محاجه با دشمنان، رهنمای شما بود، و کسی که در سختیها به او پناه می بردید و دین و شریعت را از او می آموختید. بدانید و آگاه باشید که وزر و وبال بزرگی بجا آوردید. دور باشید از رحمت خدا، و هلاکت بر شما باد. به تحقیق که کوشش شما به ناامیدی کشید و دستهای شما (از رحمت) کوتاه شد و معامله شما، موجب خسران و زیانتان گردید.

مقام عبودیت و بندگی

شکر الهی و حمد و ثنای بر آفریدگار هستی از مهمترین آموزه های اهل بیت (ع) برای پیروان آنان می باشد. که نشانگر نهایت بندگی و عبودیت در برابر حق است و زینب کبری (س) در این سخنرانی به ما می آموزد که در هیچ حالی ستایش از حق را نباید فراموش کرد و حمد خداوند جلوه ای از مقام تسلیم و رضاست. آن بانوی خردمند نه تنها از خداوند متعال کوچکترین رنجشی ندارد بلکه به تمام بلاها و سختی هایی که در راه رضایت الهی مبتلاء می شود به دیده رضا و کمال معنوی نگاه می کند. آری او از ابتلائات و آزمایش های سخت الهی سربلند و پیروز بیرون آمده و به این جهت از خدایش راضی و او را در همه حال شکرگزار و سپاسگزار است. زینب خدا را حمد می کند چرا که خداوند او را در میان دیگران برای این امتحان و نیل به درجات عالی دنیوی و اخروی انتخاب کرده است.

آنکه در این بزم مقربتر است

جام بلا بیشترش می دهند

او در مقابل مصائب و گرفتاریها لحظه ای لب به شکوه نمی گشاید و هیچ جا اظهار ذلت و خواری نمی کند و با کمال شکوه و عظمت حمد الهی را بر زبان جاری می سازد چرا که دختر قهرمان علی (ع) معتقد است تمام کارهای خدا در حق بندگان زیباست نیش و نوش، و قهر الهی همه اش رحمت است و نعمت، و پذیرفته شدن در شایسته ترین راه تکامل. او نه تنها همه مشکلات را به جان خریده و آنها را زیباترین لحظات زندگی خود می داند. (5) بلکه اینها را اولین گام عشق به حق و خدا می داند و به همین علت به پیروان خود می آموزد که در هر شرائطی باید حمد خدا را گفت و شکر او بجای آورد.

تبیین جایگاه اهل بیت (ع)

زینب کبری (س) در مراحل نخستین خطابه اش بدون اینکه نظم کلام را به هم بزند به حیاتی ترین آموزه دینی اشاره می کند که مسئله رهبری جامعه توسط انسانهای صالح و متعهد است. او بر پیامبر (ص) و آل او بعنوان رهبران صالح، پاک و برگزیده الهی درود می فرستد و خطر انحراف از رهبری صالح را با این جمله گوشزد می کند و به مردم می فهماند که، پیروی نکردن از رهبران شایسته چه نتایج زیانباری را به دنبال خواهد داشت. آن حضرت این نکته ضروری را یادآور می شود که یک مسلمان همواره باید بعد از یاد خداوند در اندیشه پیروی از پیامبر و آل او باشد و اگر اهل بیت را جدای از مسیر الهی تلقی کند و راه خداوند را بدون راهبر شایسته طی نماید به ظلمات و تاریکی ها خواهد رسید.

طی این مرحله بی همرهی خضر مکن

ظلمات است بترس از خطر تنهائی

در همین زمینه زینب (ع) تصریح می کند که مهمترین اشتباه شما در جدائی از اهل بیت (ع) بود که اینگونه شما را به هلاکت و گرفتاری کشانید و تأکید آن گرامی بر اینکه به پیامبر بعنوان پدر سلام می کند می خواهد بفرماید که شما حتی اهل بیت را از پیامبر جدا می انگاشتید و خیال می کردید با کشتن فرزندان پیامبر به مقام والائی نزد خدا و رسول او خواهید رسید. آری فاصله گرفتن از پیامبر (ص) و اهل بیت پاکش نه تنها موجب هلاکت و بدبختی در جهان آخرت خواهد بود بلکه در این جهان نیز سبب ذلت و خواری و رسوائی و پشیمانی می شود.

بازتاب اعمال

طبق فرهنگ متعالی قرآن تمام اعمال نیک و بد انسان در این جهان و دنیای آخرت بازتاب دقیقی دارد. هیچ یک از حوادث و پیشامدهای روزگار اتفاقی و بدون حساب و کتاب پیش نمی آید بلکه همه آنها بر اساس برنامه ای منظم و با فرمانی از سوی خداوند عالمیان و توسط فرشتگان و سایر عوامل غیبی به مرحله اجرا در می آید چرا که:

جمله ذرات زمین و آسمان

لشگر حق اند گاه امتحان

از آنجائی که انسان سرنوشت خود را با اختیار انتخاب می کند و تمام اعمال و رفتار خوب و بد وی کیفر و پاداش بدنبال دارد و خداوند متعال به کسی ذره ای ستم روا نمی دارد، تمام ذرات هستی گوئی به فرمان حق بوده و در موارد لازم کیفر و پاداش هر کس را به نسبت به رفتارش انجام می دهند. و در این زمینه خداوند به وضعیت ناسپاسان و ستم گران اشاره کرده و می فرماید: «ذلک جزیناهم بما کفروا و هل نجازی الا الکفور» (6) ما این کیفر را (به قوم سبا به خاطر ناسپاسی و کفران نعمت) بر آنان نازل کردیم و آیا ما به غیر از ناسپاسان را کیفر می کنیم؟!»

زینب کبری طبق این اندیشه قرآنی اهل کوفه را به خاطر پیمان شکنی، ناسپاسی، و خیانت به رهبر الهی مورد مذمت و سرزنش قرار داده و از آینده وخیم و دردناک آنان خبر می دهد و اشاره می کند که: خواری و خفت، روزهائی ترسناک و نگران کننده، برانگیختن خشم الهی و بالاخره عذاب دردناک جهنم را باید منتظر باشند و این همان بازتاب اعمال و رفتار آنان در حادثه کربلا است.

زینب کبری (ع) در این خطبه کوتاه ولی بجا و دقیق و پربار بارها بر کلام وحی تکیه کرده و از آیات حیاتبخش آن در القاء سخن خود به مردم بهره می برد. و این از تسلط عمیق آن تربیت یافته مکتب وحی به کلام خدا دارد. آن حضرت بی وفائی و خیانت کوفیان را به زنی مثال می زند که رشته های خود را بعد از بافتن پنبه می کند و تمام

عقیله خاندان وحی در فراز دیگری از خطبه پرمایه اش با اقتباس از آیات وحیانی خداوند، وجدان عهد شکنان را به محاکمه کشیده و به آنان هشدار می دهد که: «الا ساء ما یزرون؛ بدانید که شما خیلی بد عمل کردید. و این لگه ننگ با هیچ وسیله ای پاک شدنی نیست. و این همان هشدار قرآن کریم است که در آیه 31 سوره انعام، به دنیاپرستان و آنانکه زندگی ناچیز دنیا را در مقابل ارزشهای الهی و زندگی جاویدان آخرت خریده اند بیان شده است. خداوند با اشاره به حسرت و ندامت و زیانکاری آنان در روز قیامت، به آنان خداوند تأکید می فرماید که: «قالوا یا حسرتنا علی ما فرطنا فیها و هم یحملون اوزارهم علی ظهورهم الالاء مایزرون؛ آنان می گویند: افسوس بر ما که درباره (حق) کوتاهی کردیم! و آنها بار سنگین گناهانشان را به دوش می کشند چه بد باری به دوش خواهند کشید.

وعده عذاب الهی و عاجز و ناتوان شدن معاندان، کافران و دشمنان اسلام در مقابل آن از نکته هائی است که قرآن بارها به آن پرداخته است. قرآن کریم در مورد قوم عاد بعد از نزول بلاء و هلاکت آن قوم سرکش می فرماید: «ولعذاب الآخرة اخزی و هم لاینصرون؛ (8) عذاب آخرت از عذاب دنیا (دردناکتر و) سختتر خواهد بود و آنان هیچگونه یاری نخواهند شد.

زینب (ع) بعد از آنکه جنایات کوفیان را شرح داده و زشتی کارشان را کاملاً نمایان می سازد با اشاره به عذاب وجدان و گرفتاریهای دنیوی آنان که در پیش خواهند داشت. با استناد به آیه فوق، عذاب اخرویشان را خیلی شکننده تر و خوار کننده تر از عذاب دنیوی می داند. و بالاخره خطابه حماسی و آتشین بانوی کربلا و پرچمدار عدل و آزادی با اقتباس از آیه ای دیگر از سوره فجر به پایان می رسد. در آن آیه خداوند متعال به اقتدار و تسلط خود بر تمامی انسانها اشاره کرده و حضور خویش و فرشتگان آسمانی را در تمام صحنه ها و حوادث روزگار اعلام داشته، طرح ها، نقشه ها و تمام تلاشهای ستم گران را در مقابل حق و پیام آوران حقیقت بیهوده دانسته و می فرماید: «انّ ربّک لبالمرصاد؛ (9) به یقین پروردگار تو در کمین (ستمگران و مخالفان حق) می باشد و زینب کبری به کوفیان فرمود: «انّ ربکم لبالمرصاد؛ مطمئن باشید که پروردگارتان در کمینگاه است و در مورد لازم شما را به سزای اعمالتان خواهد رسانید. افزون بر آیات وحی، استفاده از تمثیل، استدلال منطقی و عقلی، عبرت اندوزی و مقایسه اعمال گذشته و حال و آینده و تحریک عواطف از دیگر فنون خطابه است که به وضوح در کلام دختر بلاغت و فرزند فصاحت دیده می شود. این خطابه به بررسی کاملی نیاز دارد که مجال را گنجایش آن نیست. همچنین در حاشیه خطابه جلوه صفات اخلاقی و کمالات انسانی همچون حیا، عفت، امر به معروف و نهی از منکر و تبلیغ عملی و گسترده آموزه های دینی کاملاً نمایان است.

دست آوردهای فرهنگی

کوفیان گرچه به اعمال ناپسندی دست زدند و گناهی را مرتکب شدند که هیچگاه فراموش نمی شود. اما زینب

کبری (س) با خطابه روشنگر و آتشین خود چنان تحولی در آنان ایجاد نمود که نسل های بعدی آنان با الهام از سخنان آن بانوی عصمت به سوی کمال گام برداشتند. آن حضرت تخم و بذری را در دل کوفیان پاشید که ثمره آن در دهه های بعدی حاصل شد.

آری شیعیان کوفه بعد از تجربه های تلخی که در آن شهر نسبت به اهل بیت (ع) امام علی (ع) و امام حسن و امام حسین (ع)) صورت گرفته بود از کرده خود پشیمان شدند و علاوه بر شرکت در قیامهای سیاسی همچون قیام توابین و مختار به سوی اهل بیت روی آوردند به همین جهت بسیاری از یاران، شاگردان و دوستان امام سجاد (ع)، امام باقر و امام صادق (ع) را کوفیان تشکیل می دهند. امام صادق (ع) برای اولین بار در زمان ابوالعباس سفاح به کوفه آمد و مورد تکریم او قرار گرفت. حتی امام صادق (ع) بسیاری از شاگردان خود را در کوفه تربیت نمود. (10)

آری خطابه زینب در سال 61 هجری روح ایمان را دوباره در کوفیان زنده کرد و آن زحمات در پنجاه سال بعد ثمره داد و اینک نام بخشی از مردان و زنان کوفی که پاسدار فرهنگ اهل بیت بعد از حماسه عاشورا و از یاران امام سجاد (ع) و امام باقر (ع) و امام صادق (ع) و ائمه بعدی محسوب می شدند به اختصار ذکر می شود:

- 1- ابراهیم بن حیان اسدی کوفی.
- 2- بشر بن غالب اسدی کوفی.
- 3- ثابت بن دینار معروف به ابوحمزه ثمالی.
- 4- سعید بن جبیر که بعدها در مکه ساکن شد (از شاگردان امام سجاد (ع)).
- 5- منهال بن عمرو اسدی.
- 6- مفضل بن عمر کوفی .
- 7- عبدالله بن ابی یعفور عبدی کوفی.
- 8- زرارة بن اعین.
- 9- ام اسود دختر اعین شیبانی و خواهر زرارة بن اعین.
- 10- ام خالد عبدی که مورد توجه امام صادق (ع) بود. (11)

پی نوشت ها :

1. مستدرک سفینه البحار، ج 4، ص 313. صاحب تنقیح المقالی در مورد حضرت زینب (س) می نویسد: زینب و ما زینب و ما ادراک ما زینب هی عقيلة بنی هاشم و قد حازت من الصفات الحميدة مالم یحزها بعد امها احد حتی حق ان یقال هی الصديقة الصغری... (تنقیح المقالی، ج 3، باب فضل النساء، ص 79).
2. الاحتجاج، ج 2، ص 305.
3. الانوار العلویة، ص 434.
4. اللهوف فی قتلی الطفوف، سید ابن طاووس حسنی، ص 176.
5. لهوف، سید بن طاووس، ص 292.
6. سوره سباء، آیه 17.
7. زینب عقيلة خاندان وحی، ص 46.

8. سوره فصلت، آیه 16.

9. سوره فجر، آیه 14.

10. کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی، ص 56.

11. رجال شیخ طوسی، یاران امام چهارم و پنجم و ششم ؛ زنان دانشمند و راوی، ص 298.